

سوره «زلزال» (۹۹)

ارتباط با سوره قبل

به نظر می‌رسد موضوع «خیر و شر» آشکارترین وجه مشترک دو سوره «بینه» و «زلزال» باشد. در سوره بینه انسانها را به دو دسته «شر البریه» و «خیر البریه» تقسیم می‌نماید و جزای آنها را نزد پروردگارشان نشان می‌دهد. در سوره زلزال نیز از بُعد عمل، خیر و شر را مطرح می‌سازد و تأکید می‌نماید در روزی که زمین اخبار خود را آشکار می‌سازد (یومئذ تحدث اخبارها) هرکس به سنگینی ذره‌ای بدی یا خوبی کرده باشد آنرا می‌بیند: فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره، و من يعمل مثقال ذرة شرا یره.

محور و محتوای سوره

سوره زلزال از زمین لرزه فراگیر و عظیمی که گویا در پایان عمر طبیعی زمین در آستانه قیامت رخ می‌دهد پرده بر می‌دارد و نتایج آنرا که توأم با آتشفشانهای گسترده و خارج شدن سنگینی‌های آن می‌باشد شرح می‌دهد^۱. آنچه از دیدگاه انسان وحشت‌زده و نگرانی که شاهد چنین انقلاب و تحول شگرف است مطرح می‌باشد، ماهیت این دگرگونی است (و قال الانسان مالها) که از بعد و زاویه‌ای که مربوط به او می‌باشد توضیح داده می‌شود: (یومئذ تحدث اخبارها). در آن روز زمین «اخبار» خود را به کیفیتی که امروز برای ما روشن نیست آشکار می‌سازد، اخبار مربوط به ادوار مختلف تکوینی و طبیعت مادی آن و یا اخبار مربوط

۱. ممکن است منظور از «اثقال»، همان اعمال انسانها باشد که بر حسب نیک و بد آن وزنی مجازی پیدا می‌کند. کما آنکه در همین سوره و سوره‌های دیگر نسبت ثقل به اعمال داده شده است (فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره). ممکن هم هست هر دو حالت مورد نظر باشد، هم وزن مواد درونی زمین و هم وزن اعمال (والله اعلم).

به موجودات و انسانهایی که در روی آن زندگی کردند. از آنجائی که انسان از خاک آفریده شده و به خاک برمی گردد و از خاک مجدداً مبعوث می گردد^۱، در واقع اخبار مربوط به او در دل بایگانی زمین است و حدیث کردن زمین اخبار خود را، در واقع حدیث کردن اخبار انسانها نیز می باشد، و اخبار انسان عکس العملی است که در امتحان و ابتلای الهی از خود بروز می دهد^۲. به این ترتیب با فرمان وحی ربوبی (بان ربک اوحی لها) در آن روز زمین هر آنچه بر آن در میلیارها سال گذشته باشد بازگو می نماید. این روز آشکار شدن سرها (یوم تبلی السرائر) است که همه در برابر خدا بارز می شوند و چیزی از آنها بر او پوشیده نمی ماند^۳.

در آن روز انسانها از حالت و موقعیتی که دارند بطور پراکنده حرکت می کنند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود^۴ این مرحله تحقق نهائی و سر رسیدن اجل پدیده نوعی انسان است که بسوی مرحله ای دیگر سوق داده می شوند (یومئذ یصدر الناس اشتاتاً...) و از آنجائی که تلاشهای انسانها متشتت و به انگیزه های مختلف است (ان سعیکم لشتی)^۵، حرکت آنها نیز برای مشاهده اعمالشان نه به صورت دسته جمعی و متحد، بلکه به شکل متفرق و متشتت، بر حسب چگونگی عملکردشان می باشد (یومئذ یصدر الناس اشتاتاً...). بنظر می رسد این همان صحنه هایی باشد که در سوره معارج با خروج شتابان از گورها و حرکت سریع بطرف مقصدی نامعلوم توضیح داده شده است^۱، گرچه در آنجا به پراکندگی و تفاوت جهت و مقصد حرکتها اشاره ای نشده است:

از فعل «یصدر» معلوم می شود حرکت انسانها به اختیار خودشان است. اما دیدن اعمال به اختیار خودشان نیست. می روند تا به آنها نشان داده شود. از فعل مجهول «یروا» چنین برمی آید که عوامل و نیروهای مرموزی چنین نقشی برعهده دارند. اینها شاید همان نویسندگان گرامی (کراماً کاتبین) باشند که هر چه می کنیم می دانند (یعملون ما تفعلون).

۱. طه (۵۵) منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخرى

۲. محمد ۳۱ - و لنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا اخبارکم - توبه ۹۴ - قل لاتعتذروالن مؤمن لکم قد نبأنا الله من اخبارکم

۳. مؤمن ۱۶ - یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء

۴. در اینجا فعل «یصدر» (یصدر الناس اشتاتاً...) بکار رفته است که با خروج تفاوت دارد، انتقال و حرکت از نقطه ای به نقطه دیگر را صدور می گویند که گویا همچون صادرات کالا که از مازاد بر تولید است، پس از اشباع و بهره مندی مرحله ای می باشد. مثل حرکت چوپانان برای سیراب کردن گوسفندان (قالنا لانسقی حتی یصدر الرعاء...) ۲۸/۲۳

۵. لیل (۴)

۶. معارج ۴۳ - یوم یخرجون من الاجداث سراغاً کانهم الی نصب یوفضون.

روزی که پرده‌ها به گونه‌ای باورنکردنی بالا می‌رود (یوم یکشف عن ساق)^۱ به انسان گفته می‌شود: «این نوشته ما است که علیه شما برآستی سخن می‌گوید، ما همواره از آنچه شما می‌کردید نسخه برداری می‌کردیم»^۲. در آن روز به او گفته می‌شود: «تو از این (ثبت اعمال) در غفلت بودی اما امروز پرده از تو برداشته‌ایم و چشمت تیز می‌بیند»^۳. به این ترتیب انسانی که در حیات دنیائی‌اش هرگز نمی‌پنداشت کسی او را در پنهانکاری‌هایش دیده باشد (ایحسب ان لم یره احد)^۴، ناگهان با چشم بصیرت اعمال خود را با تمامی جزئیات مشاهده می‌نماید و حسرت ندامت می‌خورد (کذلک یربهم الله اعمالهم حسرات)^۵.

نکته شگفت، دیدن خود اعمال (نه آثار و نتایج و جزای آن) است که سه بار در این سوره تکرار شده^۶ و در سوره‌های دیگر نیز بر آن تأکید گردیده است: و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری^۷

مسلماً چنین دیدنی که با کناررفتن حجابهای جهل و نادانی و خودبینی و دنیاپرستی در آخرت برای همه میسر می‌گردد و چشمان همه را تیزبین می‌نماید (فبصرک الیوم حدید)، در دنیا نیز برای کسانی که با کنارزدن پرده‌های فوق به علم یقینی رسیده باشند از جهاتی ممکن می‌گردد:

کلا لو تعلمون علم الیقین، لترون الجحیم، ثم لترونها عین الیقین^۸.
و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق و یهدی الی صراط العزیز الحمید^۹

افتمارونه علی ما یری و لقد راه نزله اخری^{۱۰}

در آن روز دقت سنجش اعمال و دیدن آن چنان است که انسان کوچکترین عمل خیر یا شر خود را می‌بیند:

فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره.

۱. قلم ۴۲

۲. جائیه ۲۹ - هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کتتم تعملون.

۳. ق ۲۲ - لقد کنت فی غفلة من هذا فبصرک الیوم حدید.

۴. سوره بلد

۵. نجم ۴۰

۶. یروا اعمالهم، خیرا یره، شرا یره.

۷. نجم ۴۰ (در اینجا نیز عمل دیدن با فعل مجهول یری مشخص شده است).

۸. تکاثر (آیات ۵ تا ۷)

۹. سبا (۶)

۱۰. نجم (۱۲)

اثقالی که زمین پس از زلزله هولناک قیامت از خود خارج می‌سازد (واخرجت الارض اثقالها)، هر چه باشد، محتوای سنگینی است که از چشم ظاهر همواره پنهان بوده است، ثقل اعمال انسان نیز که در حیات دنیائی برای خودش و دیگران نامعلوم بوده، در یوم الحساب به ترازوی محاسبه کشیده می‌شود. همچنانکه قشر خارجی زمین علیرغم نازکی فوق‌العاده آن (نسبت به قطر زمین) به مثابه پوسته محکم محافظتی، میلیاردها سال قشر مذاب درونی را در حال تعادل مهار می‌کرد، خداوند ستارالعیوب نیز، با پرده حلم خود مانع افشای ماهیت انسانها و بروز آثار اعمالشان، تا روزی که «یوم تبلی السرائر» نامیده می‌شود می‌گردد. در آن روز که پرده‌ها و حجابهای حواس کنار می‌رود، انسان با زلزله‌ای که ذرات وجودش را از هول و هراس به حرکت درمی‌آورد، اثقال اعمال خود را خارج می‌سازد^۱. در آن روز سنجش به دقت و راستی انجام می‌شود و هر کس وزنش سنگین‌تر باشد رستگار گشته^۲ و در زندگی رضایت بخشی قرار خواهد گرفت^۳. حساب آنروز آنچنان دقیق است که دانه خردلی نیز اگر به سنگینی اعمال کسی رفته باشد به حساب می‌آید^۴، گرچه در دل سنگ یا در اوج آسمانها و یا در عمق زمین باشد^۵. چرا که در آنروز ذره‌ای از خدا پوشیده نیست^۶ و او به اندازه ذره‌ای نیز به کسی ستم نمی‌کند^۷.

توجیه مسئله

میوه درخت که محصول نهائی و غایت وجودی آن است، وقتی کاملاً برسد، سنگین می‌شود و با سست شدن دنباله ارتباطی اش با شاخه، فرو می‌افتد و از درخت جدا می‌شود (انشقاق)، میوه برخی درختان، هنگام رسیدن با لرزشی درونی پوسته خود را پاره می‌کنند و دانه‌ها را برای ادامه نسل به فاصله‌ای دور پرتاب کرده یا (همچون انار) آشکارا در معرض تصرف پرندگان و انسانها قرار می‌دهند. اصولاً رسیدن میوه، «تحقق یافتن» هدف وجودی

۱. در قرآن برای اعمال انسانها دقیقاً وزن و سنگینی که قابل حمل باشد بطور واقعی یا تشبیه و مجاز قائل شده است:

۱۳/۲۹ - ولیحملن اثقالهم واثقالاً مع اثقالهم - ۱۸/۳۵ و ان تدع مثقلة الی حملها لایحمل منه شیء ولو کان ذا

قربی

۲. ۸/۷ و ۱۰۲/۲۳ - والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون

۳. ۶/۱۰۱ - فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیبه راضیه.

۴. ۴۷/۲۱ - و ان کان مثقال حبه من خردل اتینابها و کفی بنا حاسبین

۵. ۱۶/۳۱ - یا بنی انما ان تک مثقال حبه فتکن فی صخره او فی السموات او فی الارض یأت بها الله

۶. ۶۱/۱۰ - لا یعزب عنه مثقال ذرة فی السموات و لافی الارض

۷. ان الله لا یظلم مثقال ذرة

درخت و به فعلیت رسیدن نیروها و استعدادهای بالقوه آن است که در این مرحله مجبور به جدا شدن از نظام قبلی و تحول کیفی درونی می‌باشند^۱.

در عالم بی‌نهایت بزرگها نیز این حالت صادق است، کهکشانها نیز شجره‌هایی هستند که منظومه‌ها خوشه‌ها، و ستاره‌ها میوه‌های آنرا تشکیل می‌دهند. هر ستاره‌ای مانند میوه‌های گوناگون طی می‌کند تا به رسیدگی و انشقاق و انفجار نزدیک شود. زمین نیز که در ابتدا از تراکم ذرات غبارمانند فضای میان کهکشانها متولد شده است، پس از چند میلیارد سال دیگر که به پیری و مرگ خود می‌رسد، همچون میوه رسیده و سنگین شده‌ای که با لرزش ناپیدائی پوسته خارجی خود را پاره می‌کند و دانه‌های سنگین شده خود را بیرون می‌ریزد، دچار زلزله‌ای فراگیر می‌گردد و ائقال خود را خارج می‌سازد (اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض ائقالها).

استفاده از سوره انشقاق

این مطلب را قبلاً نیز در آیات ابتدای سوره «انشقاق» خواندیم که شکافتن آسمان (پاره و جدا شدن بخشی از فضای کهکشانی ما با تمامی ستارگانش از بقیه بخش‌های آن) توأم و همزمان با انبساط و انفجار زمین و تخلیه مواد درونی آن می‌باشد:

اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و الوقت ما فیها و تخلت و اذنت لربها و حقت

گویا سرنوشت نهائی و پایان عمر زمین با سرنوشت و عمر نهائی منظومه شمسی یا شاخه‌ای از کهکشان با مجموعه‌ای از منظومه‌های خویشاوند و یا بطور کلی کهکشان راه شیری پیوند خورده باشد، بطوری که وقتی انفطار و انشقاقی در نظام متعادل آسمان معروف و معهود (اشاره به الف و لام السماء) حاصل می‌شود (اذا السماء انشقت) و شاخه یا شاخه‌هایی از مجموعه ستارگان به شکل بازویی از بدنه اصلی کهکشان جدا می‌شوند، ستاره‌های تشکیل دهنده این شاخه دچار دگرگونی و تحول می‌گردند، و زمین نیز که یکی از اجرام سرد و کوچک منظومه شمسی است، به تبع تحولات عظیمی که در کل منظومه یا خوشه‌ای از کهکشان و یا خود کهکشان رخ می‌دهد و موجب بریدگی و جدائی و انشقاق خوشه‌ها از یکدیگر می‌گردد، منبسط می‌شود و مواد سنگین خود را بیرون می‌ریزد (و اذا

۱. خداوند در قرآن کریم توجه مؤمنین را به مراحل مختلف به ثمر نشستن انگور و زیتون و انار، تا رسیدن کامل میوه که روند روبه‌رشدی را نشان می‌دهد جلب می‌کند. ۹۹/۶ - هو الذی... و الرمان مشتبهاً و غیر متشابه انظروا الی ثمره اذا اثمر و ینعه ان فی ذلکم لآیات لقوم یؤمنون.

الارض مدت و الفت ما فيها وتخلت). دلیل فیزیکی آنهم روشن است. وقتی خورشید دور شود و نیروی جاذبه وارده بر زمین کاهش یابد، نیروهای رانشی شدید آقشار درونی که از فعل و انفعالات هسته‌ای آن ناشی می‌گردد، پوسته خارجی را تحت فشار قرار می‌دهد و منبسط و منفجر می‌نماید. در این حالت مواد سنگین مذاب از شکافهای انفجار بیرون می‌ریزند و با آزاد شدن از فشار درونی، ظرف زمین را خالی می‌کنند (و اذا الارض مدت و الفت ما فيها وتخلت)

امتداد یافتن زمین (و اذا الارض مدت) باید همان انبساط پوسته خارجی و افزایش قطر کره زمین باشد که بدلیل جاذبه مرکزی حالتی منحنی (نه خط مستقیم) دارد. نکته مهمی که در ذکر انشقاق آسمان و امتداد یافتن به چشم می‌خورد، تأکیدی است که دوبار با جمله «و اذنت لربها و حقت» تکرار شده است. اذن دادن زمین و آسمان به پروردگار، همان اعلام و ابراز آمادگی برای تغییر و تصرف ربوبی به زبان حال است. کما آنکه میوه رسیده به زبان حال آمادگی خود را برای بهره‌برداری مصرف‌کننده اعلام می‌دارد و اذن تصرف می‌دهد. فعل «حقت» نیز که به صیغه مجهول بکار رفته است، دست‌اندرکاری و مشارکت نیروهای مختلفی را نشان می‌دهد که متفقاً در رسیدن (حقت) آسمان و زمین به مرحله موردنظر مؤثر بوده‌اند. همچنانکه خاک و خورشید و آب و هوا و... در به ثمر رسیدن و تحقق یافتن میوه مؤثر می‌باشند.

نه تنها زمین، بلکه هر پدیده‌ای به هنگام تحقق یافتن هدف وجودی‌اش، مثل نوزاد سنگین شده‌ای که با درد و فشار پوسته محافظ خود را پاره می‌کند و از رحم مادر خارج می‌شود، از محیط خود که نقش رحم مادر را دارد خارج می‌شود. تا در محیط و شرایطی دیگر که متناسب با پیدایش زمینه‌ها و استعدادهای جدید است رشد نماید (مثل میوه که جذب بدن جانداران می‌شود). انسان نیز همچون بقیه موجودات، گرچه کاملتر، وقتی به منتهای به فعلیت رسیدن استعدادها و نیروهای بالقوه خود نائل گردد، قفس دنیا بر او تنگ می‌گردد و روح بلند پروازش فضای بلندتری می‌طلبد تا در آن جولان دهد. این فضا همان آخرت است که فراخنای آن تمامی آسمانها و زمین است.

سارعوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين^۱
سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا...^۲

۱. آل عمران ۱۳۳ - بشتابید بسوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی به فراخنای آسمانها و زمین که برای متقین فراهم شده است.

۲. حدید ۲۱ - بشتابید بسوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی به فراخنای آسمانها و زمین که برای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند فراهم شده است.

میوه‌ای که بطور سالم و طبیعی رسیده باشد در معرض بهره‌برداری قرار می‌گیرد و سلولهای آن در بدن موجودی عالیتر به رشد و کمال خود ادامه می‌دهد، اما میوه‌های کرم‌خورده و نارس و گندیده را در زیباله‌دان می‌افکنند یا بصورت کود استفاده می‌کنند تا بار دیگر در اندام درختی دیگر تجربه‌ای تازه آغاز نماید. چنین است سرنوشت انسانهایی که در بهشت یا جهنم قرار می‌گیرند.

وضعیت زمین در قیامت

در پایان این مبحث خوب است به عنوان تکمله‌ای بر مطالب مربوط به زمین و زلزله نهائی آن، نظری گذرا به آیاتی که وضعیت زمین خاکی ما را در روز قیامت تصویر می‌نماید بنمائیم تا در سایه مجموعه این آیات دیدی کلی برچنان صحنه‌ای داشته باشیم. مسلماً شناخت دقیق این آیات مستلزم آگاهی‌های کافی از علم کیهان‌شناسی می‌باشد که نگارنده فاقد چنین تخصصی است، با این حال لیست کردن این آیات و دسته‌بندی آن می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای بررسی‌های بعدی و تحقیقات گسترده اهل علم و تحقیق مفید باشد. ذیلاً موارد موردنظر را یادآوری می‌نمائیم:

الف- آیاتی که از لرزش شدید زمین در قیامت خبر می‌دهد:

۱/۲۲ - یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شی عظیم.

۱/۹۹ - اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها

۴/۵۶ - اذا رجّت الارض رجاً و بسّت الجبال بسّاً، فکانت هباءً منبثّاً.

۶/۷۹ - يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة، قلوب یومئذ واجفة، ابصارها خاشعة

۱۴/۷۳ - يوم ترجف الارض و الجبال فکانت الجبال کثیباً مهیبلاً.

در آیات فوق لرزش زمین با کلمات: زلزله، رجف، توضیح داده شده است که دو

کلمه آخری ظاهراً به زلزله گفته می‌شود.

ب- کنده و کوبیده شدن زمین

۲۱/۸۹ - کلاً اذا دکت الارض دکادکا

۴/۶۹ - و حملت الارض و الجبال فدکتا دکتة واحدة

ج- پراکنده و پودر شدن ذرات کوهها

۱۴/۷۳ ... يوم ترجف الارض و الجبال فکانت الجبال کثیباً مهیبلاً

۴/۵۶ - اذا رجّت الارض رجاً و بسّت الجبال بسّاً فکانت هباءً منبثّاً.

۵/۱۰۱ - القارعة ما القارعة... و تكون الجبال کالعهن المنفوش.

د - تبدیل زمین (تغییر کیفی ماهیت فعلی زمین و آسمان)

۴۸/۱۴ - یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برزوا لله الواحد القهار

ر - صاف و هموار شدن کامل سطح زمین

۱۰۷/۲۰ - یستلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نفساً. فیدرها قاعاً صفصفاً. لاتری

فیه عوجاً و لا امتاً

۴۷/۱۸ - یوم نسیر الجبال و تری الارض بارزة...

ز - منبسط شدن و امتداد یافتن حجم زمین

۳-۸۴ - و اذا الارض مدت و القت ما فیه و تخلت

س - خروج مواد درونی زمین و خالی شدن آن

... و القت ما فیه و تخلت.

... و اخرجت الارض اثقالها.

ش - نورانی شدن زمین به نور پروردگار.

۶۹/۳۹ - و اشرقت الارض بنور ربها و وضع الكتاب و...

به این ترتیب زمین آرامی که گهواره آدمی بشمار می رفت^۱ و خداوند آنرا فراش^۲

و بساط^۳ انسان قرار داده بود، ناگهان همچون میوه رسیده و سنگین شده ای که بغته

از درخت سقوط می کند، دچار چنان انقلابات سهمگینی می شود و ساعت قیامت

فرا می رسد ... ثقلت فی السموات و الارض لایأتیکم الا بغته...^۴

۱ . ۶/۷۸ - الم نجعل الارض مهاداً و الجبال اوتاداً

۲ . ۲۲/۲ - الذی جعل لکم الارض فراشاً و السماء بناءً

۳ . ۱۹/۷۱ - و الله جعل لکم الارض بساطاً

۴ . ۱۸۷/۷ - در آسمانها و زمین سنگینی کرده و جز ناگهانی شمارا فرانمی رسد.